

تأثیر قوه قاهره بر تعهدات مالی دولت در مقابل اشخاص

علیرضا پاینده نجف آبادی^۱، نرگس پورشاهی آقچه کند^۲، محمد موسائی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش مالی اقتصادی موسسه عالی غیرانتفاعی خاتم

^۲ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی موسسه عالی غیرانتفاعی رشدیه تبریز

^۳ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

چکیده

مفهوم قوه قهریه (فورس مازور) عاملی خارجی است که موجب عدم انجام تعهد و یا تاخیر در انجام تعهد متعهد مندرج، در قرارداد می گردد. به عبارتی نوعی جبر و زور خارجی است که مانع انجام و ایفاء تعهد متعهد گردد و برحسب رویه معمول در عرف و عقل و وجدان نمی توان متعهد را مجبور به انجام تعهد خود نمود مسئولیت مدنی دولت و تأثیر قوه قاهره بر تعهدات مالی یکی از مهمترین مسائل حقوقی می باشد در این پایان نامه در چهار فصل به تربیت کلیات تحقیق، پیشینه و تعریف مفاهیم تحقیق و مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارت وارده بر اشخاص به دلیل قوه قاهره تأثیر قوه قاهره و شرایط آن و در نهایت به جمع بندی پرداخته ایم.

واژه‌های کلیدی: قوه قهریه، مسئولیت مدنی دولت، تعهدات

مقدمه:

مسئولیت مدنی از مباحث بسیار مهم و اساسی در حقوق خصوصی به شمار می رود در حقوق خصوصی، لزوم جبران خسارتی که برخلاف حق به دیگری وارد آمده است، یکی از قواعد مسلم حقوقی می باشد که در تمام نظامهای حقوقی پذیرفته شده است. تا آنجا که در نظریه‌های جدید، به جای «حقوق مسئولیت» از «حقوق جبران خسارت» صحبت به میان می‌آید. اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد، همان گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زبانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی خواه دولت یا غیر آن نیز همین گونه عمل شود.

مسئولیت مدنی از مباحثی است که قلمرو بسیار وسیعی دارد و مسائل مختلفی در آن مطرح میشود. مسئولیت مدنی دولت مسئولیتی است، که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجود آورنده خسارت را ناگزیر به جبران خسارت می‌نماید. مسئولیت مدنی دولت به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۶۴۵)

قوه قهریه (فورس ماژور) عاملی خارجی است که موجب عدم انجام تعهد و یا تاخیر در انجام تعهد متعهد مندرج، در قرارداد می‌گردد. به عبارتی نوعی جبر و زور خارجی است که مانع انجام و ایفاء تعهد متعهد گردد و برحسب رویه معمول در عرف و عقل و وجدان نمی‌توان متعهد را مجبور به انجام تعهد خود نمود. با توجه به اهمیت و تأثیر قوه قاهره بر تعهدات به خصوص تعهدات مالی دولت در مقابل اشخاص ما در این تحقیق سعی داریم به بررسی تأثیر قوه قاهره بر تعهدات دولت در مقابل اشخاص بپردازیم.

قوه قاهره (فورس ماژور) در حقوق ایران

در حقوق ایران اصطلاح قوه قاهره، یا فورس ماژور به کار نرفته است ولی کلمات و عبارات دیگری که همین مفهوم را می‌رساند در برخی مواد قانون مدنی آمده است، که مهمترین آنها مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی است.^۱

در مورد مصادیق این قبیل حوادث و علل خارجی در دو ماده فوق ذکر نشده است، ولی با مراجعه به دیگر مواد قانون مدنی، از جمله ماده ۱۳۱۲ (بند ۲) و ماده ۴ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی نوع این حوادث مشخص می‌شود. در این دو ماده، حوادثی طبیعی از قبیل حریق، سیل، زلزله، غرق کشتی و جنگ از مصادیق حوادث غیر منتظره و فورس ماژور شناخته شده‌اند. بدیهی است، وقایع فوق فقط جنبه تمثیلی داشته و حصری نیستند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، صص ۱۹۷-۲۲۷).

نکته دیگر، اینکه این قبیل حوادث نباید منتسب به متعهد باشند وگرنه نمی‌توان از آنها بعنوان حوادث غیرمترقبه یاد کرد و وی را مسئول نتایج آن حادثه ندانست. البته مسئولیت متعهد، به شرطی است که تقصیر وی منجر به وقوع حادثه شود وگرنه اگر متعهد مرتکب تخلفی گردد که در ایجاد حادثه مانع اجرای تعهد، نقشی نداشته باشد باز هم، وی مسئولیتی در پرداخت خسارت نخواهد داشت. لازم به یادآوری است که فورس ماژور را حادثه‌ای غیر مترقبه که نتوان از آن اجتناب کرد و در نتیجه، انجام تعهدی مقدور نشود، یا شخص نتواند خود را با یک قاعده حقوقی تطبیق دهد، تعریف کرده‌اند. برای اینکه این تعریف کامل شود، باید به آن ویژگی غیرقابل پیش‌بینی بودن فورس ماژور را هم اضافه کرد. فورس ماژور، نه تنها باید غیرقابل کنترل

^۱ بر اساس ماده ۲۲۷ "متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان مربوط به او نمود." این "علت خارجی" همان قوه قاهره یا فورس ماژور است. یعنی اگر به واسطه این قبیل عوامل اجرای تعهد ممکن نشود، فرد متعهد محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد و در واقع بری از مسئولیت خواهد بود. اما اگر نتواند وقوع چنین عاملی را اثبات کند محکوم به تأدیه خسارت خواهد شد.

باشد، بلکه باید غیرقابل پیش‌بینی نیز باشد. البته غیرقابل پیش‌بینی بودن، در زمان انعقاد قرارداد مدنظر است نه زمانی که اتفاق روی می‌دهد.

اولین جلسه شیر و خورشید سابق در ششم مرداد مصادف با عید سعید غدیر خم سال ۱۳۰۲ با حضور نخست وزیر و هیئت دولت وقت و تعدادی از افراد خیرخواه و نیکوکار تشکیل و رسماً فعالیت خود را در چارچوب اهداف تعیین شده بین‌المللی آغاز نمود. در برخی از مفاد قانون ایالات و ولایت مصوب ۱۲۸۶/۹/۱۷، وزارت کشور مسئولیت داشته است تا در موقع طغیان رودخانه (سیل و طوفان) با تمام امکانات برای حفظ نفوس و کمک و اعانه اقدام کند. در نهم اردیبهشت سال ۱۳۴۸ قانون پیشگیری و مبارزه با خطرات سیل» مشتمل بر هشت ماده و پنج تبصره به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. در ماده یک این قانون وزارت کشور مکلف به انجام اقدامات لازم برای حفظ و اصلاح مسیل و سیل برگردان و کشیدن کانال فاضلاب و... به منظور حفظ جان و مال مردم از خطرات سیل و تأمین بهداشت عمومی شده است. مسئولیت اجرای این قانون بر عهده وزارت کشور و شهرداریها نهاده شد. در هیجدهم آذرماه ۱۳۳۷ قانون تشکیل سازمان دفاع غیرنظامی کشور» به منظور حفظ جان و مال افراد کشور از تعرضات هوایی و حوادث طبیعی و سوانح غیرمترقبه و تقلیل اثرات آن و همچنین تقویت روحی و ایجاد علائق و همکاری متقابل بین افراد در مواقع عادی و اضطراری تشکیل گردید. این سازمان وابسته به وزارت کشور و در شهرستانها تحت نظر مستقیم استانداردار انجام وظیفه مینمود. وزارت کشور و جنگ مأمور اجرای این قانون بوده‌اند. در بیست و ششم اردیبهشت ۱۳۵۱ «قانون اصلاح قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور» به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید و از تاریخ تصویب این قانون، سازمان دفاع غیرنظامی کشور با کلیه دارایی و بودجه و کارکنان به نخستوزیری وابسته و سرپرست آن سمت «معاون نخست وزیر» را داشت ۱. علاوه بر موارد ذکر شده در فوق، شهرداریها براساس بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون وظایف شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ وظیفه اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل را بر عهده داشته‌اند.

باید متذکر شد اکثر وزارتخانهها، نیروی نظامی و انتظامی و جمعیت هلالاحمر، طبق اساسنامه‌های خود مسئولیتهایی در زمینه حوادث و سوانح غیرمترقبه داشته‌اند که مهمترین آنها به قرار زیر است: ۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طبق ماده ۱۰ اساسنامه خود مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی موظف به مشارکت در عملیات امدادی به هنگام بروز بلايا و حوادث میباشد ۲- واحد بسیج مستضعفین سپاه با توجه به ماده ۳۵ اساسنامه سپاه پاسداران، وظیفه کمک به مردم هنگام بروز بلايا و حوادث غیرمترقبه با هماهنگی مراجع ذیربط را دارا میباشد ۳- وزارت نیرو براساس ماده ۲۹ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ نیز موظف به مهار سیلابها جهت تامین آب مورد نیاز کشاورزان میباشد ۴- ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز طبق بند ج ماده ۶ و بند د ماده ۷ قانون ارتش مصوب سال ۱۳۶۶ موظف است افراد و تجهیزات خود را در اجرای اصل ۴۷ قانون اساسی و بنا به درخواست دولت و در حدی که به آمادگی رزمی آن آسیمی نرسد جهت کارهای امدادی در اختیار قرار دهد- 5. جمعیت هلالاحمر به موجب بندهای ۱ و ۳ ماده ۳ قانون اساسنامه آن جمعیت مصوب ۱۳۶۸/۲/۸ مسئولیت ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز بلايا و نیز برنامه‌ریزی و اقدام جهت آمادگی مقابله و آموزش عمومی و تربیت کادر امدادی و نیروی انسانی را بر عهده دارد. با وقوع زلزله مخرب و جانگداز گیلان و زنجان در ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ و به منظور انسجام بیشتر امور مدیریت بحران، مسئولیت ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور حسب دستور ریاست جمهوری وقت و به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی از نهاد ریاست جمهوری منتزع و در فرماندهی وزارت کشور قرار گرفت. در تاریخ نهم مرداد ۱۳۷۰ «قانون تشکیل کمیته ملی کاهش اثرات بلايای طبیعی» به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید و در ۱۳۷۰/۵/۲۰ به دولت ابلاغ شد. به موجب این قانون، کمیته ملی به منظور مبادله اطلاعات، مطالعه، تحقیقات علمی و پیدا کرن راهکارهای منطقی جهت پیشگیری و کاهش اثرات بلایای طبیعی به ریاست وزیر کشور تشکیل گردید. در جلسه مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۲ هیأت وزیران آییننامه اجرایی «قانون تشکیل کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی» به تصویب رسید.

در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ ماده ۴۴ قانون برنامه سوم توسعه مبنی بر تهیه طرح جامع امداد و نجات توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و طبق مفاد این قانون، جمعیت هلالاحمر کشور موظف گردید طرح جامع امداد و نجات را با هماهنگی وزارت کشور و نیروی مقاومت بسیج تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند. در تبصره ذیل ماده ۴۴ نیروی مقاومت بسیج به عضویت ستادهای حوادث غیرمترقبه درآمد. در جلسه مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۸۲ هیأت وزیران «طرح جامع امداد و نجات کشور» بنا به پیشنهاد جمعیت هلالاحمر به تصویب رسید. به استناد ماده ۵ این طرح «ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور» به منظور سیاستگذاری کلی، برنامه‌ریزی ملی و نظارت عالی بر امر مدیریت بحران کشور به ریاست وزیر کشور و ۲۰ عضو دیگر تشکیل گردید. در جلسه ۷ تیر ۱۳۸۳ هیأت وزیران به استناد اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی به منظور هماهنگی اجرایی کلیه دستگاهها اعمال مدیریت عالی موثر بحران در هنگام وقوع حوادث و سوانح غیرمترقبه «آییننامه ستاد پیشگیری و مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح غیرمترقبه» را به تصویب رساند. نکته اصلی در این آییننامه لازمالاجرا بودن تصمیمات ستاد برای دستگاههای تحت پوشش قوای سه گانه از جمله دستگاههای تحت نظر مقام معظم رهبری و نیروهای مسلح با عنایت به اذن فرماندهی کل قوا در میباید ۳۱/۳/۱۳۸۳ تاریخ لایحه تشکیل صندوق بیمه حوادث طبیعی در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲۵ توسط بیمه مرکزی ایران جهت طرح در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت پیشنهاد شده و در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۱ هیأت وزیران کلیات آن به تصویب رسید. تعداد زیادی از مواد و تبصره‌های قانون برنامه چهارم توسعه کشور مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مرتبط با امور حوادثی همچون مقاومسازی ساختمانها، کاهش نقاط حادثه خیز جادهای، برنامه‌های اجرایی مدیریت خشکسالی، مصرف بهینه آب، بیمه محصولات کشاورزی، احیای بافتهای فرسوده شهری و روستایی، استاندارد کردن مصالح، ارائه کمکهای فنی و اعتباری برای بهسازی، جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل و پیشگیری از بیماریهای واگیردار، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحرانهای پیچیده میباید.

آییننامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به تصویب رسید و در این آییننامه نحوه هزینه کرد و توزیع اعتبارات مربوط به حوادث شرح داده شده است. سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری در خصوص «پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه» که در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است در ۱۳۸۴/۹/۲۵ پس از تایید مقام معظم رهبری از طریق دفتر معظم له به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت اقدام ابلاغ شد. در اجلاس مورخ اول نوامبر ۲۰۰۶ (۵ آذر ۱۳۸۵) (وزرای کشور عضو اکو که در تهران برگزار گردید با پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران جهت ایجاد یک مرکز منطقه‌ای در ایران برای مدیریت بلایای طبیعی موافقت نمودند. در این اجلاس همچنین تاسیس صندوق امانی بلایای طبیعی به منظور امداد رسانی و جلوگیری احتمالی از این بلا یا پیشنهاد شد. اصلاحیه آییننامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در جلسه چهارم خرداد سال ۱۳۸۶ هیأت وزیران به تصویب رسیده است. در این اصلاحیه مقرر گردیده پرداخت هزینه‌های صدور

پروانه‌های مسکونی و تجاری خسارت دیده در مناطق شهری از محل اعتبارات حوادث غیرمترقبه پرداخت گردد. ضمن این که سقف کمک‌های بلاعوض و تسهیلات بازسازی نیز تغییر یافته است. قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که در جلسه ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۵ سال موافقت شده است. براساس مفاد این قانون شورای عالی مدیریت بحران کشور به ریاست رئیس‌جمهور به منظور هماهنگی فعالیتهای دستگاهها و نهادهای وابسته به قوای سه گانه، نیروهای مسلح و کلیه نهادها و دستگاههای تحت نظر مقام معظم رهبری (با عنایت به تفویض اختیار معظم له) و تصویب مقررات و ضوابط حاکم بر مدیریت بحران کشور تشکیل گردید. همچنین سازمان مدیریت بحران کشور به عنوان یک سازمان وابسته به وزارت کشور به منظور ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی و انسجام در زمینهای اجرایی و پژوهشی، اطلاع رسانی متمرکز و نظارت بر مراحل مختلف مدیریت بحران و ساماندهی و بازسازی مناطق آسیب دیده تشکیل گردید.

اثار و شرط های فورس ماژور

آثار فورس ماژور

اثر فورس ماژور ممکن است بر حسب مورد، سقوط تعهد و انحلال قرارداد یا تعلیق آن باشد.

اول. سقوط تعهد و انحلال قرارداد

در صورتیکه فورس ماژور عدم امکان دائمی اجرای قرارداد را در پی داشته باشد، موجب انحلال قرارداد سقوط تعهد خواهد شد. در این صورت فورس ماژور موجب براءة متعهد و معافیت او از مسئولیت است و متعهدله نمی تواند بعلت عدم اجرای قرارداد، مطالبه خسارت کند (ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه و ۲۲۹ قانون مدنی ایران). معذا در موارد ذیل فورس ماژور موجب براءة متعهد نخواهد بود:

۱. در مواردی که متعهد به موجب قرارداد خطرات ناشی از قوه قاهره را پذیرفته وبعبارت دیگر در قرارداد تصریح شده باشد که متعهد حتی در صورت تحقق قوه قاهره، مسئول است.همینطور است در صورتیکه قانون این مسئولیت را مقرر داشته باشد.
۲. در مواردی که قبل از بروز حادثه فورس ماژور، موعد ایفای تعهد فرارسیده و متعهدله اجرای آن را مطالبه کرده باشد. این قاعده در حقوق فرانسه بموجب بند ۲ ماده ۱۱۳۸ و ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی مقرر شده است؛ ولی در حقوق ایران به نظر می رسد که مطالبه در این خصوص شرط نیست و همین که زمان ایفای تعهد فرا رسید، متعهد مکلف به اجرای تعهد است و اگر در این خصوص اقدام نکند و سپس اجرای تعهد بعلت قوه قاهره غیر ممکن شود، مسئول است مگر اینکه تعیین زمان اجرای تعهد در اختیار متعهدله باشد که در اینصورت، مطالبه لازم خواهد بود (مستنبط از ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران). در حقوق انگلیس هم ظاهراً همین راه حل پذیرفته شده است.
۳. در مواردی که عدم امکان اجرا جزئی است و فقط شامل بعضی از تعهدات ناشی از قرارداد است. در اینصورت، براءة متعهد نیز جزیی خواهد بود ونسبت به تعهداتی که ایفای آن امکان دارد، مسئولیت باقی است. البته در این مورد باید بررسی و روشن کرد که آیا تعهداتی که هنوز قابل اجرا است دارای فایده کافی برای متعهدله هست و آیا اراده طرفین بر بقای قرارداد بطور جزئی بوده است یا خیر؟ در صورتیکه تعهدات مزبور فایده کافی برای متعهدله نداشته یا بر حسب اراده طرفین، قرارداد یک کل تجزیه ناپذیر باشد، قرارداد بطور کلی منحل و همه تعهدات ناشی از آن ساقط خواهد شد.

۴. در صورتیکه قوه قاهره یکی از علل عدم اجرای تعهد و خسارت باشد نه علت تامه آن، و تقصیر متعهد هم یکی از اسباب و علل خسارت باشد، رویه قضائی فرانسه معافیت جزئی از مسئولیت را به نسبت دخالت قوه قاهره می پذیرد. بعبارت دیگر، هنگامی که فورس ماژور دخالت جزئی در ورود خسارت داشته و جزو علت باشد، از میزان غرامت کاسته خواهد شد.

۵. در صورتیکه فورس ماژور ناشی از تقصیر متعهد باشد، مانند مورد غارت کالا بوسیله دشمن بر اثر تأخیر قطار، یا هدایت کشتی به منطقه جنگی و تصرف آن از سوی نیروهای متخاصم، یا تأخیر در تحویل کالا و مواجه شدن با منع قانونی، مسئولیت باقی می ماند. البته اثبات اینکه تقصیر متعهد سبب فورس ماژور بوده است برعهده متعهدله است. مجلس اعیان انگلیس در رأی صادر در یک پرونده به سال ۱۹۴۱ بدین نکته تصریح کرده است.

در قراردادهای دو تعهدی یا ملزم طرفین که در آنها تعهد یک طرف علت تعهد طرف دیگر است، هرگاه تعهد یک طرف بعلت فورس ماژور ساقط شود، تعهد طرف دیگر نیز ساقط و قرارداد منحل خواهد شد.

همبستگی تعهدات در قراردادهای مذکور، مستلزم این نتیجه است. بقای تعهد یکی از طرفین با وجود سقوط تعهد طرف دیگر بعلت فورس ماژور، با ماهیت اینگونه قراردادها واراده طرفین مابینت دارد و به هیچ وجه قابل دفاع نیست. البته پس از انحلال قرارداد در صورتیکه یک طرف پرداختهائی بیش از آنچه دریافت کرده انجام داده باشد، چنانکه پیش پرداختی انجام شده که در ازای آن کالائی تحویل نگردیده است، براساس اصل استفاده بلا جهت، قابل استرداد است.

دوم. تعلیق قرارداد:

هرگاه بروز حادثه ای که موجب عدم امکان اجرا تعهد شده موقت باشد، فورس ماژور موجب تعلیق قرارداد است و پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را باز می یابد. مشروط براینکه اجرای آن، فایده خود را حفظ کرده و منطبق با اراده طرفین باشد. تشخیص اینکه آیا بعد از انقضای مدت تعلیق، قرارداد فایده خود را حفظ کرده و اجرای آن با اراده طرفین سازگار است یا خیر، با دادگاه است و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که ماهیت قرارداد بکلی دگرگون شده و اجرای آن برخلاف اراده مشترک طرفین در زمان وقوع عقد است، حکم به انحلال آن خواهد آمد. معمولاً در مورد قراردادهایی که جنگ اجرای آنها را معلق کرده است، این مسئله پیش می آید و دادگاه باید ببیند آیا بعد از جنگ قرارداد، فایده خود را حفظ کرده است یا خیر؟ به هر تقدیر، در صورت تعلیق قرارداد بعلت فورس ماژور، متعهد مسئول خسارات ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرا در مدت تعلیق نخواهد بود؛ بطور کلی یکی از آثار فورس ماژور براءت و عدم مسئولیت متعهد است و در آنجا که قرارداد بعلت فورس ماژور اجرا نشده یا در اجرای آن تأخیری روی داده باشد، متعهدله نمی تواند بدین سبب مطالبه خسارت نماید.

-شرایط فورس ماژور

معمولاً برای فورس ماژور سه شرط، هم در حقوق داخلی وهم در حقوق بین الملل ذکر می شود:

۱. حادثه باید غیر قابل اجتناب باشد.

۲. حادثه باید غیر قابل پیش بینی باشد.

۳. حادثه باید خارجی باشد.

اول. حادثه باید غیر قابل اجتناب باشد:

حادثه ای که فورس ماژور تلقی می شود که غیر قابل اجتناب و به تعبیر دیگر غیر قابل دفع باشد. در واقع اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه ای غیر ممکن می شود و هیچ کس متعهد به امر غیر ممکن نیست. در حقوق ایران، ماده ۲۲۹ قانون مدنی بدین شرط تصریح و در حقوق فرانسه، ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی بدان اشاره می کند.

در حقوق فرانسه گفته می شود مقصود از عدم امکان در این باب، عدم امکان مطلق است، نه نسبی یا شخصی. یعنی حادثه ای فورس ماژور تلقی می شود که باعث عدم امکان اجرای تعهد برای همه باشد، نه فقط برای متعهد و ناشی از وسائل و امکانات ضعیف او.

در حقوق آمریکا نیز ظاهراً همین نظر پذیرفته شده است؛ مثلاً بموجب بعضی از آراء، اعلام شده است که اعسار یا ورشکستگی متعهد که از موارد عدم امکان شخصی است، موجب برائت اونخواهد بود. ولی در بعضی از نظامهای حقوقی، عدم امکان نسبی هم ممکن است فورس ماژور بشمار آید؛ مثلاً در حقوق آلمان، ماده ۲۷۵ قانون مدنی عدم امکان شخصی و نسبی را در صورتیکه متناسب به شخص متعهد و قابل پیش بینی در زمان عقد نباشد، در حکم عدم امکان مطلق می داند. گزارش دبیرخانه سازمان ملل درباره قوه قاهره در حقوق بین الملل هم نظریه ای راکه عدم امکان مطلق و عینی را شرط تحقق فورس ماژور می داند، بویژه اگر از نظر اجرا عمومیت داشته باشد، افراطی تلقی می کند. عدم امکان ممکن است فیزیکی باشد، مانند موردی که سیل و زلزله و جنگ مانع اجرای تعهد می شود، یا حقوقی، مانند عدم امکان ناشی از قانون جدید یا تصمیم اداری مبنی بر منع صادرات یا واردات یا سلب مالکیت یا ملی کردن شرکت متعهد.

به هر حال صرف دشواری اجرای تعهد، کافی برای تحقق فورس ماژور نیست. حتی در موردی که به علت تغییر وضع اقتصادی، اجرای تعهد بغایت سنگین و پرخرج باشد، فورس ماژور صادق نیست، هر چند ممکن است متعهد در برخی از نظامهای حقوقی بتواند جهت تعدیل یا انحلال قرارداد به نظریه دیگری که نظریه «تغییر اوضاع و احوال» یا «دشواری» یا «عدم پیش بینی» یا فراستریشن نامیده می شود، استناد کند

دوم. حادثه باید غیر قابل پیش بینی باشد:

در حقوق فرانسه حادثه ای فورس ماژور تلقی می شود که در زمان عقد قرارداد، برای انسان غیر قابل پیش بینی باشد، چه در صورتیکه حادثه قابل پیش بینی باشد متعهد موظف است تدابیر احتیاطی بیشتری برای اجتناب از آن اتخاذ کند و در نهایت باید از عقد قرارداد خودداری نماید. پس وقوع حادثه قابل پیش بینی موجب سلب مسئولیت از متعهد نخواهد شد.

البته غیر قابل پیش بینی بودن بدین معنی نیست که حادثه قبلاً هیچگاه واقع نشده باشد. همه حوادثی که تازگی ندارند، به یک معنی قابل پیش بینی هستند. قابلیت پیش بینی کلی و مجرد در اینجا مورد نظر نیست. حادثه هنگامی غیر قابل پیش بینی است که علت خاصی برای تصور پیش آمدنش وجود نداشته باشد؛ مثلاً زلزله در ناحیه ای که زلزله خیز نبوده است حادثه ای غیر قابل پیش بینی تلقی می شود. به بیان دیگر حادثه ای غیر قابل پیش بینی تلقی می شود که وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد.

شرط غیر قابل پیش بینی بودن در اغلب کشورها مقرر است؛ ولی در حقوق انگلیس آن را لازم نمی دانند. در این کشور ممکن است یک حادثه قابل پیش بینی نیز موجب انتفای قرارداد و سقوط تعهد تلقی شود، هر چند که قابل پیش بینی نبودن حادثه در اثبات و تشخیص اینکه تغییر بنیادی در قرارداد بر حسب اراده طرفین روی داده و در نتیجه، قرارداد نخستین منتفی شده است، مورد توجه قرار می گیرد.

«ترتیل» از مؤلفان معروف انگلیسی میگوید:

صرف اینکه طرفین قرارداد یا یکی از آنان می بایست وقوع حادثه را پیش بینی کنند، مانع اجرای دکترین فراستریشن نیست. در دعاوی تاجگذاری، ابتلای ادوار هفتم که (۶۰ ساله بوده) به بیماری، بطور معقول قابل پیش بینی بوده و با وجود این، نظریه فراستریشن در آن دعاوی اجرا شده است. حتی بعضی از آرا از این هم فراتر رفته و اعلام کرده اند که ممکن است در موردی که حادثه دقیقاً پیش بینی شده است، نظریه فراستریشن اجرا گردد، ولی قبول این نظر دشوار است؛ زیرا در این مورد متعهد خطرات ناشی از وقوع چنین حادثه ای را با علم و اطلاع پذیرفته است و دادگاه نباید این نکته را نادیده بگیرد. پس نظریه مرجع در اینگونه موارد، عدم امکان استناد به نظریه فراستریشن است.

چنانکه ملاحظه می شود ترتیل بین قابل پیش بینی بودن و پیش بینی شدن فرق گذارده است. ممکن است حادثه بطور معقول قابل پیش بینی باشد، ولی متعهد آن را پیش بینی نکند؛ در اینصورت، طبق نظریه تریتل و بموجب برخی از آرای صادر از دادگاههای انگلیس ممکن است فراستریشن تحقق یابد و تعهد ساقط یا معلق شود. لیکن اگر متعهد حادثه را پیش بینی کرده و در عین حال تن به انعقاد قرارداد داده باشد، در واقع خطر ناشی از حادثه را پذیرفته است باید مسئول شناخته شود و در این مورد جایی برای اعمال نظریه فراستریشن نخواهد بود.

با اینکه گاهی بطور مطلق گفته شده است که درکامن لو غیر قابل پیش بینی بودن حادثه شرط تحقق فورس ماژور یا فراستریشن نیست، اما در حقوق آمریکا ظاهراً بر طبق رویه قضائی، غیر قابل پیش بینی بودن حادثه تحقق دکترین فراستریشن است. یکی از مولفان امریکایی در این باره با استناد به آرا می گوید:

هرگاه حادثه مانع اجرا بطور معقول قابل پیش بینی باشد فراستریشن دفاع تلقی نمی شود.

در گزارش دبیرخانه سازمان ملل در این باب گفته شده است:

حادثه باید غیر قابل پیش بینی یا قابل پیش بینی ولی غیرقابل اجتناب یا غیر قابل دفع باشد، و « باید تأکید کرد که کافی است یکی از این دو شرط وجود داشته باشد.»

نویسندگان این گزارش در این خصوص تحت تأثیر حقوق انگلیس واقع شده اند. در عرف بازرگانی بین المللی هم قابل پیش بینی بودن حادثه شرط تحقق فورس ماژور بشمار نمی آید.

در حقوق ایران هریک از دونظریه مذکور قابل دفاع است: ممکن است گفته شود چون قانون مدنی ایران در زمینه قوه قاهره از حقوق فرانسه الهام گرفته واز آنجا که در صورت قابل پیش بینی بودن حادثه نمی توان گفت « دفع آن خارج از حیطه اقتدار» متعهد بوده یا عدم اجرای تعهد ناشی از علتی است که « نمی توان به او مربوط نمود» و با توجه به اینکه اصل، بقای مسئولیت متعهد در صورت تردید است، لذا حادثه ای که قابل پیش بینی باشد فورس ماژور تلقی نمی شود و موجب عدم مسئولیت متعهد نخواهد بود. و نیز ممکن است گفته شود چنین شرطی در قانون مدنی مقرر نشده است و نباید شرطی به شرایط مقرر در قانون افزود.

سوم. حادثه باید خارجی باشد:

معمولاً می گویند حادثه ای قوه قاهره تلقی می شود که خارجی و به تعبیر دقیق تر خارج از متعهد و قلمرو مسئولیت او باشد. بنابراین عیب مواد اولیه یا تقصیر کارکنان متعهد، قوه قاهره بشمار نمی آید هرچند که غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب باشد. ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران با ذکر اینکه « متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام، بواسطه علت خارجی بوده است که نمی توان به او مربوط نمود»، به نکته فوق تصریح کرده است. ماده

۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه نیز که دارای عبارت مشابه عبارت ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران است، با ذکر جمله « علت خارجی که قابل انتساب به متعهد نباشد»، مفید همان نکته است.

معهدنا مفهوم و قلمرو این شرط قابل بحث است و بویژه در حقوق فرانسه مورد تردید بعضی از علمای حقوق واقع شده است. «ویل» در این باره می گوید:

ممکن است بگویند عدم اجرا باید ناشی از یک حادثه خارجی باشد. ولی این شرط خارجی بودن که در زمینه مسئولیت خارج از قرارداد پذیرفته شده در زمینه قراردادی نامسلم است. بی شک در اینکه عیب چیزی که برای اجرای قرارداد بکار رفته موجب براءت متعهد نیست. توافق حاصل است؛ لیکن شرط خارجی بودن، هنگامی که اشکال، ناشی از رفتار یک شخص باشد، وضوح کمتری دارد. البته تقصیر کارگر متعهد که ناشی از شخصی دیگر ولی غیر خارجی است هرگز باعث معافیت کارفرما از مسئولیت نخواهد شد، زیرا چنانکه می دانیم کارفرما مسئول کاراشخاصی است که برای اجرای تعهدات خود بکار گمارده است، ولی این قاعده مانع از آن نیست که در پاره ای موارد، اعتصاب مزد بگیران علت معافیت بشمار آید درحالیکه در داخل بنگاه متعهد روی می دهد. در حقیقت، به محض اینکه شخصی بطور آشکار نقش واسطه را ایفا کند، تفکیک بین داخلی و خارجی بودن تا حدی دشوار است. در نظر داشته باشیم که بیکاری متعهد، علت موجه عدم ایفای دین تلقی شده است و این قلمرو شرط خارجی بودن را محدود می کند...

بدنسان ملاحظه میشود که شرط خارجی بودن، محل بحث و تردید است و شاید به همین جهت در گزارش دبیرخانه سازمان ملل، بعد از ذکر اینکه « حادثه باید خارج از کنترل متعهد بوده و نباید متعهد مسبب آن باشد»، چنین آمده است:

معهدنا شرط اول از شرایط بالا بدان معنی نیست که حادثه یا پیش آمد تشکیل دهنده فورس ماژور باید مطلقاً خارج از شخص و فعالیت‌های متعهد باشد. عناصر اصلی در یک حادثه فورس ماژور در این نیست که آیا فعل یا ترک فعل مطرح شده از آن متعهد یا خارج از او است، بلکه آن است که آن فعل یا ترک قابل انتساب به متعهد بعنوان نتیجه رفتار ارادی شخص او نباشد.

همچنین در گزارش دبیرخانه سازمان ملل به شورای خاص شرط خارجی بودن حادثه در حقوق بین الملل عمومی با این عبارت اشارت رفته است:

این شرط که فورس ماژور باید یک حادثه خارج از متعهد باشد، در روابط بین الملل همواره بسهولت قابل اثبات نیست؛ زیرا چنانکه گفته شده است: هر قدر جامعه ای که به قوه قاهره استناد می کند گسترده تر باشد، عوامل خارجی آن محدودتر است. بنابراین بنظر می رسد داخلی یا خارجی بودن مهم نیست؛ بلکه مهم این است که حادثه قابل انتساب به متعهد نباشد و به تعبیر قانون مدنی ایران چنان باشد که عرفاً نتوان آن را به متعهد مربوط نمود. شاید مقصود از کلمه خارجی در برخی از نوشته ها و متون بویژه در ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران، همین معنی باشد، نه بدان معنی که حادثه مطلقاً از قلمرو وجود و فعالیت متعهد بیرون باشد.

مسئولیت مدنی دولت در قبال قوه قاهره یا همان قهریه

مسئولیت مدنی دولت مسئولیتی است، که در برابر ایجاد خسارت به وجود می آید و به وجود آورنده خسارت را ناگزیر به جبران خسارت می نماید. مسئولیت مدنی دولت به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۶۴۵) بنابراین هر جا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد، در آن جا مسئولیت مدنی وجود دارد در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ تعریفی از مسئولیت به میان نیامده و مسئولیت شخص را منوط به عمد یا تقصیر شخص

حقیقی یا حقوقی اعم از اشخاص عادی یا کارمندان دولت آورده و سخنی از قوای قاهره در تحقق مسئولیت مدنی دولت آورده نشده.

بر مبنای مسئولیت مدنی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده، رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید، که همان جبران خسارت است. بنابراین مسئولیت مدنی دولت در معنی عام و وسیعش هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد. زیرا در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت است. اما تفاوت اساسی این دو با هم برمی‌گردد، به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین. قلمرو مسئولیت مدنی از جایی آغاز می‌شود، که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست، در حالی که مسئولیت قراردادی مسئولیتی است، که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید. به عبارت دیگر مسئولیت قراردادی به این معنی است، که کسی که به عهد خود وفا نکرده و باعث ضرر طرف قرارداد خود شده باشد، باید زیان وارده را جبران نماید پس میتوان در اینجا ضمان را به مفهوم عام در غالب ضمان قهری دولت در قبال حوادث غیر مترقبه آورد.

انواع مسئولیت

انواع مسئولیت را میتوان در حالت کلی به سه نوع تقسیم بندی نمود

مسئولیت قهری

مسئولیت قهری مسئولیتی است که در نتیجه قهر و غلبه بدون رضایت متعهد به حکم قانون برهر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی تحمیل میگردد حال این شخص میتواند شخص حقیقی یا حقوقی یا دولت باشد. مانند ماده ۳۸۷ قانون مدنی که به تلف مبیع قبل از قبض اشاره مینماید این مسئولیت در موضوع بحث مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث غیر مترقبه نیز میتواند مورد تعمیم واقع گردد.

مسئولیت ناشی از عقد

که به طور مسقیم در نتیجه توافق طرفین عقد ایجاد میگردد و یا در نتیجه عدم اجرای عقد بر دوش متخلف از اجرای عقد تحمیل میگردد که مسئولیت ناشی از عقد یا بعلت عهد شکنی و تخلف از اجرای مفاد عهد است و بر مبنای ضمان معاوضی ایجاد میگردد و یا اینکه بعلت محقق نشدن خواست طرفین ایجاد میگردد.

مسئولیت عقدی یا ضمان عقدی

که همان معنای ضمان یا مسئولیت مدنی دولت در غالب عقد ضمان است و عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر عهده دیگری است قبول کند که در این حالت ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن نسبت به مضمون له مشغول میگردد که در حقوق ایران مفهوم ضمان نقل ذمه به ذمه در مفهوم اصلاح شده تعبیر میگردد و در علم الهیات نوعی مسئولیت وجود دارد که در جهان حقوق بدان مسئولیت اخلاقی یا طبیعی میگویند که جهان حقوق برای آن ضمانت خاص اجرائی ندارد و چنانچه متعهد بمیل خود انرا ایفا کند نمیتوان او را مسئول شناخت و بدان حق استرداد نیست.

مسئولیت اخلاقی

منظور از مسئولیت اخلاقی این است، که انسان در مقابل خداوند یا وجدان خویش جوابگوی خطای ارتکابی باشد. این مسئولیت در فعل یا ترک فعلی که به شکل مخالفت با تعالیم دینی یا قواعد اخلاقی و وجدان باشد ظاهر می‌گردد. ولی اگر

منشا الزام به پاسخ‌گویی معیارهای خارجی و بر پایه رفتار متداول افراد جامعه و در برابر حقوق موضوعه باشد، مسئولیت را مسئولیت حقوقی گویند.

مسئولیت اخلاقی جنبه درونی و شخصی داشته و برای مسئول شناختن فاعل زیان، باید شرایط و اوضاع و احوال شخصی و اندیشه و وجدان وی بازرسی شود. در حالی که مسئولیت مدنی دولت به‌طور عینی (نوعی) در مقایسه با یک رفتار عادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لذا یک‌اندیشه ساده ممکن است، موجب مسئولیت اخلاقی شود. ولو این‌که موجب ضرر قابل لمسی به دیگری نشود. اما مسئولیت مدنی مستلزم ظهور خارجی‌اندیشه به صورت فعل یا ترک فعل، که همراه با ضرر و زیانی باشد، بوده و ورود ضرر شرط تحقق مسئولیت است و بطور دیگر جدا از مسئله تعالیم دینی مسئولیتی است جهان حقوق بدان ضمانت اجرائی خاصی قائل نیست و چنانچه فرد به جهت حس انساندوستانه آنرا انجام دهد دگر بدان حق استرداد نخواهد بود بطور مثال چنانچه کسی به جهت کمک و همدلی به مسکینی بدون اذن وی کمک نماید و تعهد او را به جای آورد دگر جهان حقوق برای وی حق استرداد نمیداند.

مسئولیت مدنی دولت در برابر حوادث پیش‌بینی نشده به چه صورت می‌باشد.

در علم حقوق هر گاه سخن از مسئولیت مدنی دولت به میان می‌آید اساتید علم حقوق آنرا همواره با مترادف با ضمان می‌آورند که گاه این مسئولیت قهری است یعنی اراده طرفین در آن نقشی ندارد و بدون رضایت متعهد و به حکم قانون بوی تحمیل می‌گردد مانند ضمان ناشی از اتلاف. که در این حالت مسئولیت بر مبنای تخلف از انجام قرارداد یا عهد شکنی و یا ضمان ناشی از عقد نیست بلکه مسئولیت بسبب وقوع حادثه ای است که غیر قابل پیش‌بینی بوده و نمیتوان این حادثه را بر کسی منتسب نمود و او را محکوم به جبران خسارت نمود آنچه در این بحث مورد توجه قرار خواهد گرفت اینست که آیا دولت بعنوان حاکمیت در جلوگیری از ورود خسارت مسئولیتی خواهد داشت یا خیر و اگر مسئولیت دارد معیارهای سنجش و انتساب حادثه ای که علت و سبب آن به حاکمیت منتسب نیست به چه نحو خواهد بود؟ اما گاه حوادث غیر مترقبه و غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل انتساب به شخص معین چنان باعث ورود خسارت بر شخص می‌گردد که این حادثه را به عنوان حوادث قاهره نامیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در علم حقوق ریشه حوادث غیر مترقبه ابتدا در کد ناپلئون (اولین قانون مدنی فرانسه) مطرح گردید که در آن به حوادث غیر مترقبه اشارتی گردیده بود بعد از آن این واژه مورد توجه نظامهای حقوقی مختلف به صور گوناگون مورد توجه قرار گرفت در حقیقت فورس ماژور معنای لغوی نداشته و بیشتر در غالب اصطلاح کاربرد دارد و آن عبارت است از حوادث غیر مترقبه، غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل انتساب به شخص معین بطوریکه هر شخص مواظبی نمیتوانسته از عهده آن برآید و با گسترش علم حقوق در نظامهای مختلف در کشورهای حوزه کامن لا گاه این اصطلاح را در غالب واژه‌هایی همچون اکت آو گاد یا آنکسپکتد ایونتس مطرح نموده‌اند.

با نیم‌نگاهی در پیشینه تاریخی ایران در قانون مدنی نیز این تئوری مطرح گردید اما در حوزه اینکه دولت در قبال بروز چنین حوادثی چه مسئولیتی دارد وفق قانون مسئولیت مدنی که تصویب آن به قبل از انقلاب اسلامی برمیگردد دولت اصل را بر مسئولیت شخصی گذاشته بود و طبق آن قانون که در نظام فعلی دارای اشکالات متعددی است دولت هیچ مسئولیتی نداشت تا اینکه در سال ۱۳۸۶ دولت اسلامی با تصویب قانون تشکیل مدیریت بحران که یک قانون امری میباشد مسئولیت دولت در

پیش‌گیری، آمادگی در برابر چنین حوادثی و مقابله با آن و اقدامات بعد از بروز حادثه مشخص گردید و جای خالی مسئولیت دولت که در قانون مسئولیت مدنی پیش‌بینی نشده بود و مسئولیت را فقط بر اساس مسئولیت شخصی میدانست پر نمود که قانون بسیار جامع و کاملی بنظر میرسد هر چند از نظر اجرائی به طور کامل قوانین امری آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد در هر جهت این قانون را نیز میتوان به قاعده تقلیل خسارت نیز تعمیم داد قاعده تقلیل خسارت قاعده ای است که بموجب آن شخص زیان‌دیده موظف است اقدامات متعارف را برای جلوگیری از بروز خسارت یا افزایش زیان انجام دهد تا نباید نادیده گرفت که خلا این قاعده در قوانین ما مشهود است اما باید این را هم عنوان نمود که علم حقوق از کسی انتظار شجاعت و فداکاری را ندارد و هر کسی مسئول کرده‌های خویش است ولی گاهی بروز حوادث غیر مترقبه از نظر مسئولیت اخلاقی حاکمیت ظهور در معنا دارد که بموجب آن با نگرش به حقوق اسلام حاکمیت موظف است در صورت بروز چنین حادثه ای اقدامات لازم را در جهت پیشگیری و مقابله با آن انجام دهد که از آن بعنوان دیون طبیعی دولت در قبال شهروندان یا دیون اخلاقی دولت به عنوان یک استثنا با داشتن ضمانت اجرائی یاد نمودیم.

التهایه باید گفت اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد و همانگونه که اشخاص حقیقی چنانچه خسارتی وارد آورند متحمل پرداخت آن می‌شوند، اشخاص حقوقی نیز خواه دولت یا غیر آن بویژه در جاییکه دولت در مقام تصدیگری و همچون سایر اشخاص حقوقی خصوصی به فعالیت می‌پردازد به جبران خسارت مادی و البته معنوی (هرچند با دشواری بسیار) مبادرت نمایند و علاوه بر آن حسب قاعده‌ی حائز اهمیت «لا ضرر و لا ضرار فی اسلام» هیچ ضرر و زبانی شایسته نیست که به من جبران و ترمیم بر زمین ماند و اینکه در جاییکه دولت به فعالیتهای تصدیگری مبادرت می‌ورزد غالباً و منطقاً فعالیت‌هایی هستند که نیازمند سرمایه‌ی کلان می‌باشد و مسلماً هزینه‌های بسیاری صرف آن شده، بنابراین در صورت ایجاد خسارت جبران آن‌ها بسیار مهم می‌نماید.

پس دولت نیز مستثنی از اصول و قواعد فوق‌الذکر نیست و در صورت ورود خسارت به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی مسئول جبران زیان و ضررهای وارده می‌باشد.

مطالعه مسئولیت مدنی دولت در در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مبین آن است که، علیرغم پیش‌بینی برخی موقعیتهای خاص در قوانین مصوب، که مسئولیت دولت را منطبق با تئوریهای تقصیر یا خطر پذیرفته است؛ در بسیاری از موارد مواجه با اشکال یا خلاء قانونی است. پراکندگی قوانین، نگاه موردی به مسئولیت مدنی دولت، عدم انسجام در مبانی مسئولیت، که برخی بر مبنای نظریه تقصیر و برخی دیگر بر مبنای نظریه خطر استوار شده است و همچنین فقدان راه کارهای اجرایی دقیق و عدم وحدت رویه در موارد مشابه مثل حدود مسئولیت ناشی از تقصیر قضا و نیروهای مسلح و سایر کارکنان دولت، از مهمترین ضعف‌ها و خلاءهای قانونی راجع به نظام مسئولیت مدنی دولت می‌باشد. لذا، بازنگری جامع در این زمینه و تدوین و تصویب قانون جامع تحت عنوان «مسئولیت مدنی دولت» امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تا زمان تصویب چنین قانونی وظیفه قضا دادگاهها است که با استناد به اصول و قواعد حقوقی راجع به مسئولیت، حکم هر قضیه را صادر نمایند.

مطالعه در نظام حقوق مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران مبین آنست که دولت در قوانین و مقررات پراکنده‌ای مسئولیت برخی از کارکنان و افراد نظیر قضا، کارکنان نیروهای مسلح، اعضاء هیات واگذاری سهام شرکتهای و افراد فراری را به بعد گرفته و در خصوص سایر کارمندان صرفاً طبق شرایط ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی یعنی در صورت ورود خسارت توسط کارمندان ناشی از نقص وسایل اداره، اقدام به پذیرش مسئولیت نموده است و از این حیث در نظام حقوقی ما، خلاء قانونی وجود دارد. به عنوان مثال سالهاست در اثر فعالیتهای دولت و کارکنانش خسارت زیادی به اشخاص وارد می‌آید و یا افراد

بیگناهی به زندان و بازداشت محکوم میشوند و... و هیچ مرجعی مسئولیت اینگونه خسارات را به عهده نمی‌گیرد. بنابراین لازم است در یک قانون عام و کلی موضوع مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن به صورت مشخص و معین پیش‌بینی گردد.

اثر فورس ماژور ممکن است بر حسب مورد، سقوط تعهد و انحلال قرارداد یا تعلیق آن باشد.

معمولاً برای فورس ماژور سه شرط، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین الملل ذکر می‌شود:

۱. حادثه باید غیر قابل اجتناب باشد.

۲. حادثه باید غیر قابل پیش‌بینی باشد.

۳. حادثه باید خارجی باشد.

در مجموع می‌توان گفت که دولت هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی موظف به انجام کارها و بهبود وضع افراد حادثه‌دیده است.

دولت نیز مستثنی از اصول و قواعد فوق‌الذکر نیست و در صورت ورود خسارت به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی مسئول جبران زیان و ضررهای وارده می‌باشد.

قوانین مربوط به قوه قاهره:

ماده ۲۲۷ قانون مدنی: متخلف از انجام تعهد، وقتی محکوم به تادیه ی خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام تعهد به واسطه ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط نمود.

ماده ۲۲۹ قانون مدنی: اگر متعهد به واسطه ی حادثه ای که رفع آن خارج از حیطه ی اقتدار است نتواند از عهده ی تعهد خود برآید، محکوم به تادیه ی خسارت نخواهد بود.

ماده ۵۵ قانون دریایی: کشتی و متصدی بار مسئول فقدان یا خسارت ناشی از قوه قهریه نخواهد بود.

ماده ۳۸۶ قانون تجارت: متصدی حملو نقل از جبران خسارت در تلف مال التجاره که مربوط به حوادثی که مربوط به او نبوده و هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانسته است از آنها جلوگیری کند، معاف است.

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی: در مورد مسئولیت کارفرمایان، اگر جلوگیری از زیان وارده مقدور نبوده هر چند اقدامات و احتیاط‌های لازم هم به عمل آمده باشد، کارفرما مسئول نیست.

منابع

۱. اسماعیلی محسن. ۱۳۸۱ تولید. قوه قاهره. انتشارات صداوسیما انتشارات سروش.
۲. بهشتی مرتضی. ۱۳۸۴ نشر. قانون و فورس ماژور در نظام مهندسی حقوقی داخلی و بین المللی. انتشارات ندای آریانا.
۳. دکتر دومینک کارو ترجمه مصطفی تقی زاده. ۱۳۸۳ تولید. حقوق بین الملل. انتشارات دادگر.
۴. علیرضا ابراهیم گل. ۱۳۸۸ تولید. مسئولیت بین المللی دولت متن و مواد کمیسیون حقوق بین الملل. انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۵. صفایی، سید حسین؛ مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی؛ نشر میزان، تهران ۱۳۷۵.
۶. - . قوه قاهره و فورس ماژور، مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۳۶۴، ۳.
۷. امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی؛ اسلامیه، تهران، ۱۳۸۳.
۸. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار با
۹. همکاری شرکت بهمن برنا، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. دکتر ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۲، شماره ۵۵
۱۱. ژوردن، پاتریس؛ اصول مسؤولی □ ت مدنی؛ ترجمه و تحقیق مجید ادیب، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲
۱۲. السنهوری، عبدالرزاق اح مد؛ الوسيط فی شرح القانون المدنی الجدید؛ منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، ۱۹۹۸ [6].
۱۳. کاتوزیان، ناصر؛ الزام های خارج از قرارداد : ضمان قهری؛ مسؤولی □ ت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۴۰) تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، فاقد نام ناشر و نوبت چاپ.
۱۵. (1363) دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۶. (1352) دوره حقوق مدنی، عقد ضمان، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول.
۱۷. (1357) دوره حقوق مدنی، عقد کفالت، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، فاقد نوبت چاپ.
۱۸. (1357) - (دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، تهران، انتشارات بنیاداستاد، چاپ اول.
۱۹. (1378) - (عقد حواله، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
۲۰. (1378) - (مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دوره پنج جلدی تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۲۱. قواعد عمومی قراردادها - جلد چهارم - دکتر کاتوزیان - ناصر

۲۲. مسئولیت مدنی دولت _دکتر زرگوش_مشتاق
۲۳. فرهنگ حقوقی بهمن_دکتر آقائی_بهمن
۲۴. قانون مسئولیت مدنی مصوب سال یکهزار و سیصد و سی و سه
۲۵. قانون مدنی ایران
۲۶. قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۸۶/۱۰/۲۵
۲۷. عقود معین_جلد چهارم_دکتر کاتوزیان_ناصر
۲۸. فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی_کشاورز_بهمن
۲۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات اشجع، چ ۹، تهران ۹۳۳۱
۳۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ ۹۱، تهران ۹۳۳۱
31. -Webster s new world dictionary _second college edition
32. -Oxford elementary learners dictionary_a.toloo
33. Angel (pierre) _ traite des obligations en droit Suisse.neuchatel 1973 aubry et rau_cours de droit civil faransais.t.6 6e ed.par pual esmein 1951 :t.11.6 ed.paris t.4.6 ed.par e.bartin ,1942
- وب سایت فارسی:
34. Jls.shiraz.ac.ir/article_4547.html
35. <http://www.ghavanin.com/PaperDetail.asp?id=140>